

شاهزاده کوری

۱۵۶

بهمن و اسفند ۱۳۹۷ ● بها ۳۰۰۰ تومان



بهترین دنیا خواهد

دفتر جواد چین

بلند کردن یخ بانخ

من چیستم؟

زیگه سار

فدرشته می بینه...

آسمون آبی

بشقاب دریایی

جدول

نان عروسی

به پدر و مادر مون

احترام بذاریم...

آفتاب پرست

این رنگی، آن رنگی!

نقاش کوچولو

معرفی کتاب

جواب بچه ها!

کودکی موفق



تصویر جلد: حکیمه شریفی - سمیرا شفیعی

- مجله در تلخیص و ویرایش
- مطالب رسیده آزاد است.
- مطالب رسیده بازگردانده نمی شود.
- نقل مطالب مجله با ذکر
- مأخذ مجاز است.

به نام خدا

کودک

شماره ۱۵۶ • بهمن و اسفند ۱۳۹۷
صاحب امتیاز: بنیاد شهید و امور ایثارگران
مدیر مسئول: رحیم نریمانی
سر دبیر: یوسف قدیانی
مدیر اجرایی: زهرا خسروی

دبیر تحریریه: فریبا حداد
طراح گرافیک: سمیرا سادات شفیعی
امور فنی: آتلیه شاهد
ناظر فنی چاپ: علیرضا قاسمی
امور مشترکین: محمدرضا اصغری
تلفن دفتر تحریریه: ۸۸۸۳۵۱۰۸
تلفن امور مشترکین: ۸۸۸۲۳۵۸۴
دور نگار امور مشترکین: ۸۸۸۲۸۴۳۵
آدرس الکترونیکی: Koodak@navideshahed.com
صندوق پستی: ۱۹۱-۱۵۷۱۵

ناشر: انتشارات شاهد
تهران خیابان آیت الله طالقانی
خیابان ملک الشعرا ی بهار شمالی
شماره ۵
تلفن: ۸۸۳۰۸۳۴۸
چاپ: چاپخانه سازمان
فرهنگی سیاحتی کوثر

بهترین خواهر دنیا



پدرش بوده علی
مادرش فاطمه است
مثل نور خورشید
مهربان با همه است

بوده همراه حسین (ع)
در تمام دوران
خواهر دلسوزی
یاوری با ایمان

زینب کبری داشت
خوبی و مهر و وفا
یک پرستار بزرگ
بوده در راه خدا

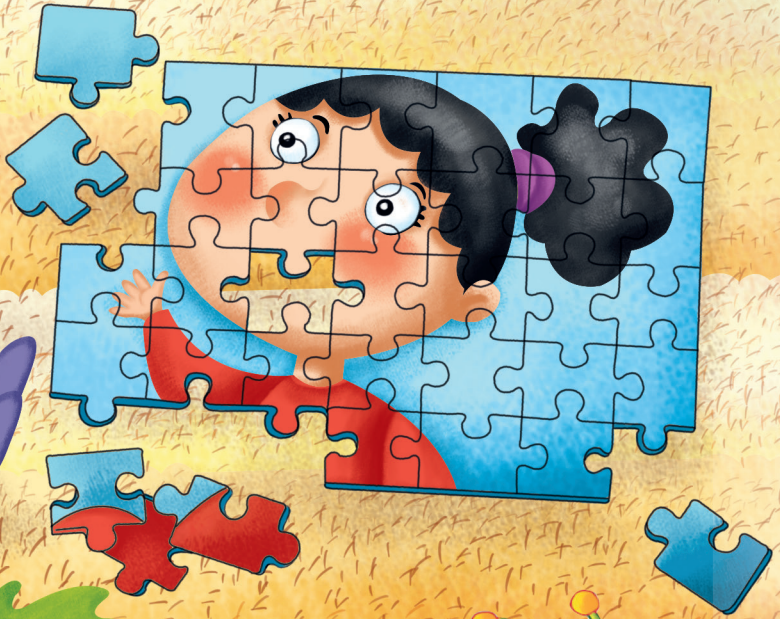
بر همه سختی‌ها
بوده صبرش بسیار
بر یتیمان بوده
عمه‌ای نیکوکار

مصطفی میرزایی، میرنگار
تصویرگر: سیما مصور



دختر جورچین

یک جورچین بود که عکس دختر خدانی را داشت. جورچین مال سهیلا بود. سهیلا جورچین را برداشت تا بازی کند. جورچین خوشحال شد. یواش گفت: «آفرین سهیلا جان که می‌خواهی با من بازی کنی!» سهیلا جورچین را محکم به کف اتاق کوبید. بعد تکه‌های جورچین را با دست پخش کرد. جورچین ناراحت شد و با خودش گفت: «آخه این جوری بازی می‌کنند!» سهیلا تند تند تکه‌ها را چید. کم‌کم دختر توی جورچین کامل می‌شد. موهایش، چشم‌هایش، گونه‌هایش. سهیلا همه‌ی تکه‌ها را چید. اما یک تکه‌ی آن نبود. بلند گفت: «مامان، مامان.» ولی مامان که نبود کمکش کند. دنبال تکه‌ی گمشده گشت. آن تکه لب دختر بود که می‌خندید. اما حالا دختر جورچین مثل کسی شده بود که لب نداشت و داشت داد می‌زد. قیافه‌ی سهیلا اخمالو شد. چشم‌هایش اشک‌آلود شد. لبش غمگین شد. هر چه گشت، پیدا نکرد. خم شد و گفت: «جورچین جان، تکه‌ات کجاست؟» جورچین انگار داشت حرف می‌زد و می‌گفت: «خُب خودت مرا محکم انداختی زمین. من دردم گرفت. خودت تکه‌ام را پیدا کن.» سهیلا گفت: «ببخشید. حواسم نبود. از این به بعد باهات مهربان می‌شوم.» بعد گوش‌هایش را روی جورچین خواباند. چشم‌هایش را بست. احساس کرد که لب جورچین می‌گوید: «من زیر تخت هستم.» سهیلا تندی رفت و زیر تخت را گشت. تکه‌ی جورچین را پیدا کرد. لب دختر جورچین را بوسید و آن را سر جایش گذاشت. حالا دختر جورچین داشت به سهیلا می‌خندید.



بلند کردن یخ بانخ

بیشتر و بیشتر بدانید...

با انجام آزمایش علمی زیر شما می‌توانید با استفاده از نخ تکه‌های یخ را از یک لیوان آب بلند کنید بدون اینکه دستتان خیس شود یا بخواهید از قاشق کمک بگیرید.



چیزهایی که لازم داری:

- یک لیوان پر از آب
- چند تکه یخ
- نمکدان پر
- یک رشته نخ





تصویر گر: سیما مصور



روش کار:

- تکه‌های یخ را داخل لیوان آب بیندازید.
- کمی نمک بر روی سطح یخ‌ها پاشید. برای یک دقیقه صبر کنید.
- حالا نخ را داخل آب بیندازید تا روی سطح یخ‌ها قرار گیرد. چه می‌بینید؟! درست، یخ‌ها به نخ چسبیدند. سر نخ را بکشید تا یخ‌ها بلند شوند. ✓



چه اتفاقی افتاد:

وقتی نمک بر روی یخ ریخته می‌شود، آن را آب می‌کند. ولی وقتی مثل روش بالا فقط از مقدار کمی نمک استفاده می‌کنیم، فقط پوسته نازکی از روی سطح یخ آب می‌شود که آن هم بلافاصله یخ می‌زند. و این موضوع باعث می‌شود که نخ بین یخ اصلی و پوسته‌ی یخ جدید گیر کند و نخ به یخ بچسبد.

✓ جالبه بدونید از روش نمک‌پاشی در زمستان بسیار استفاده می‌شود. با این روش یخ‌های جاده‌ها ذوب شده و مسیر عبور اتومبیل‌ها باز می‌شود.



من چیستم؟



من همه‌ی این خوراکی‌ها را دوست

دارم. اما یکی را بیشتر از همه دوست دارم.

* این خوراکی مایع و به رنگ سفید است.

* لازم است هر روز حداقل یک لیوان از آن نوشیده شود.

* این خوراکی از گوسفند و گاو بدست می‌آید.

* این خوراکی ویتامین‌های زیادی دارد و باعث

سلامتی استخوان‌ها و دندان‌ها می‌شود.



از بین این خوراکی‌ها مرا پیدا

کن و علامت بزن.

فرشته‌ی نیکوکار

یک و دو و سه و چار
شده روز پرستار
روزت مبارک باشه
فرشته‌ی نیکوکار

وقتی که فردی بیمار
میره به بیمارستان
کنار اون می‌مونه
پرستاری مهربان

مهر و محبت اون
امید هر بیماره
خسته نمی‌شه از کار
خیلی شب‌بیداره

چه خوب می‌دونین همه
مهربونه پرستار
لباس اون سفیده
ای بچه‌های هوشیار



خدا داره می‌بینه...





آسمون آبی

خدا، چرا آسمون
خیلی حالش بد شده
دیو سیاه قصه
از تو دلش رد شده

اون دیگه آبی رنگ نیست
سیاه شده کبوده
به جای ابر تو دستاش
بقچه به بقچه دوده

تقصیر این ماشین هاست
که دودشون زیاده
خب کی خیابونا رو
به این ماشین ها داده؟

آسمون قشنگم
حیفه که من از تو دورم
کاشکی می شد یه جوری
صورتتو بشورم

بچتره که با سرویس
بریم به این ور اون ور
با اتوبوس و مترو
خب چی از اینجا بچتر؟



دلبندم سرویس مدرسه را از مکان آلوده دور کن و به دبستان امید برسان.



بشقاب دریایی



چیزهایی که لازم داری:

دلبندم باتوجه به وسایل مورد نیاز و مراحل ساخت برای خودت یک تابلوی زیبا درست کن.



دلبندم، تو می‌تونی با کمی خلاقیت از ظروف یکبار مصرف بهترین استفاده را بکنی و برای خودت کاردستی‌های قشنگ بسازی. مثلاً در اینجا می‌تونی از بشقاب یکبار مصرف به عنوان یک تابلو استفاده کنی و منظره‌ی دریا را روی آن بسازی....

تصویرگر: سیما مصور



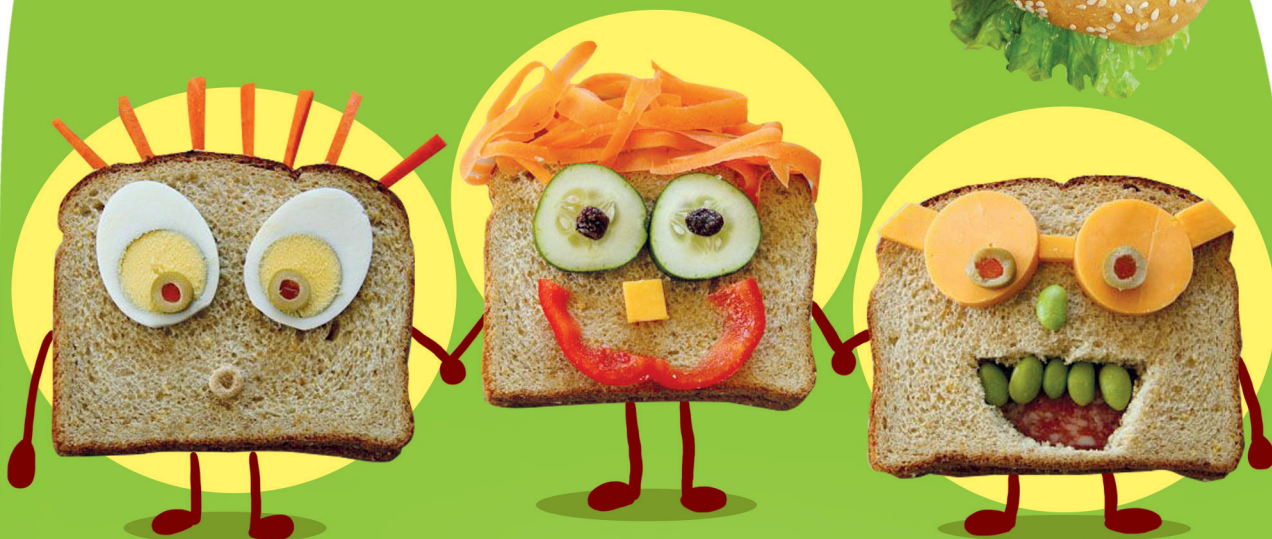
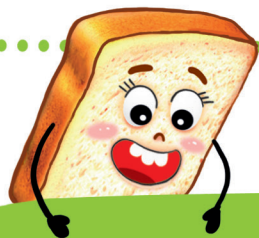


دلبندم، به کمک بزرگترها جاهای خالی جملات زیر که مربوط به نکات ایمنی هنگام زلزله می‌باشند را کامل کن.

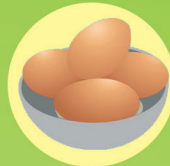
- ۱ خونسردی و آ.....ش خود را حفظ کنید.
- ۲ هنگام زلزله از آ..... استفاده نکنید.
- ۳ از پ..... و کمد های بلند و همچنین اشیایی که امکان سقوط دارند، دوری کنید.
- ۴ زیر ر..... پناه بگیرید و یکی از پایه‌های آن را محکم بگیرید تا زلزله پایان یابد.
- ۵ حتماً در دوره‌های ر..... زلزله مدارس و هلال احمر شرکت کنید.



نان عروسکی



این خوراکی‌ها را در نان عروسکی‌های بالا پیدا کن و اسمشان را بگو.



چندتا از خوراکی‌های بالا را درست کن، با آنها عکس بگیر و برای ما بفرست
تا در شاهد کودک چاپ شود. (عکس‌ها با کیفیت باشد).





«وَصَيَّنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حُسْنًا» (عنكبوت ۸/)

به پدر و مادرمون احترام بذاریم...

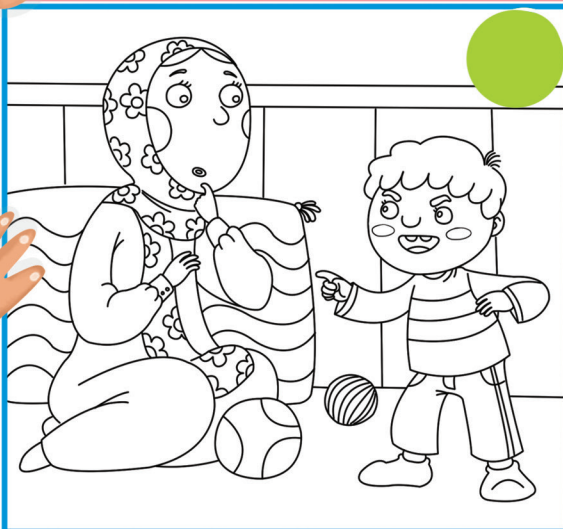
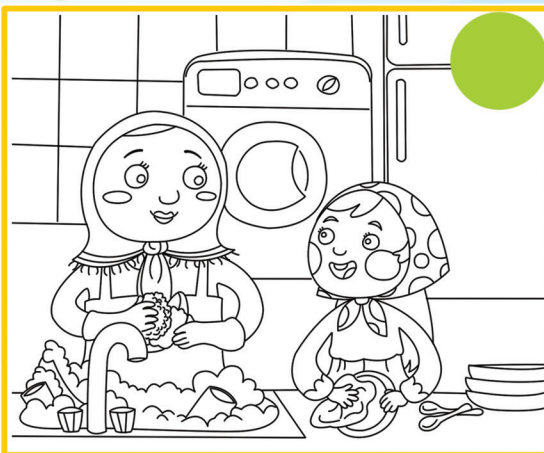
تصویرگر: سمیه شفیعی

پیامبر اکرم (ص): آنکه پدر و مادرش را خشنود کند، خدا را خشنود کرده و کسی که پدر و مادر خود را به خشم آورد، خدا را به خشم آورده است.

امروز که بهاره از مدرسه به خانه برگشت، دید که مادرش مریض است. بهاره خیلی ناراحت شد و سعی کرد به مادر کمک کند. او برای مادر دارو آورد و با برادر کوچکش بازی کرد تا مادر بتواند استراحت کند. مادر بعد از اینکه حالش بهتر شد، وقتی که دید بهاره در این مدت چقدر به او کمک کرده، خوشحال شد. بهاره را بوسید و از او که دختر خوب و مهربانی است، تشکر کرد.



بچه‌های گلم؛ در بین تصاویر زیر، تصاویری که نشان‌دهنده‌ی رفتار درست با پدر و مادر می‌باشند را با علامت ✓ و رفتار اشتباه را با علامت ✗ مشخص کن. سپس تصویر رفتارهای درست را رنگ بزن.



نوگلم، تو هم از رفتارهای خوبی که با پدر و مادر مهربونت داری، برای ما در این کادر بنویس و عکس این صفحه را به آدرس شاهد کودک بفرست تا در مسابقه‌ی «بچه‌های خوب» شرکت کنی و جایزه بگیری!!!

آفتاب پرست هر جا می رفت، رنگ آن جا می شد.
از کسی که می دید، رنگش را می پرسید.
رفت روی درخت خرما. گنجشک جیک جیک را دید.
پرسید: «جیک جیک، من چه رنگی ام؟»
جیک جیک گفت: «تو رنگ درخت خرما لویی.» بعد هم پرید و رفت.
آفتاب پرست گفت: «درسته!» و به آرامی رفت روی سنگ نشست.
مارمولک مارمولک را دید. پرسید: «آهای مولک، من چه رنگی ام؟»
مولک گفت: «تو رنگ سنگی.» و تندى دوید و رفت توى خاک و برگ.
آفتاب پرست گفت: «درسته!» و از روی سنگ قدم زد و رفت کنار آب.
از ماهی پولکی پرسید: «آهای پولکی، من چه رنگی ام؟»
پولکی گفت: «تو رنگ آسمانی.» و تندى سُر خورد و رفت زیر آب.
آفتاب پرست گفت: «درسته!» و به طرف درخت خرما برگشت.
جیک جیک آمد و نشست روی شاخه درخت خرما.
آفتاب پرست فکر کرد کمی سر به سر جیک جیک بگذارد.





مجید راستی

تصویرگر: طاهره رضایی

ت این رنگ، آن رنگ!



آرام و آهسته رفت پشت درخت خرمالو و پرسید: «آهای جیک جیگک، من پشت درختم. حالا من چه رنگی‌ام؟»
جیک جیگک گفت: «حالا تو رنگ پشت درخت خرمالویی!»
بعد هم جیکی زد و پرید.
آفتاب پرست دهانش را باز کرد تا بگوید: «.....»
اما چیزی نگفت و از تعجب دهانش همان‌طور باز ماند!
آخر آفتاب پرست نمی‌دانست رنگ پشت درخت خرمالو، چه رنگی است؟!

نقاش بچو



سلام بچه ها!
من خرسم، خدا منو
نقاشی کرده!!



گیتا عسگری ۶ ساله از مشهد



محمدطها نامور ۶ ساله از مشهد



زینب سادات واقعی ۵ ساله از تهران

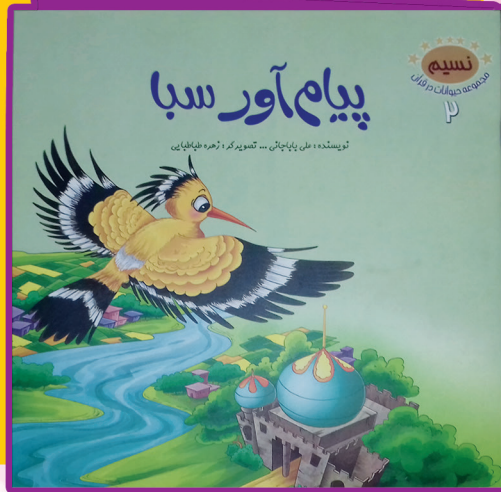


ستایش هدایی ۸ ساله از اسلامشهر

دلبندم، تو هم خرس خودت رو داخل کادر بالا بکش.

پیام آور سبّا

معرفی کتاب



هدهد خیلی خوشحال بود. چون یکی از سربازان سلیمان پیامبر علیه السلام بود. پیامبری که زبان همه‌ی حیوانات را می‌دانست و با حیوانات حرف می‌زد.
در لشکر حضرت سلیمان علیه السلام غیر از انسان‌ها، حیوانات هم گوش به فرمان بودند و هر کس کاری انجام می‌داد. هددهد هم هر روز به اطراف می‌رفت و خبرهای تازه و جدید برای پیامبر می‌آورد.

یک روز مثل همیشه هددهد از قصر پرواز کرد تا برود و خبر تازه‌ای بیاورد. رفت و رفت تا یکدفعه چشمش به یک جای سرسبز افتاد.
با خودش گفت: «حالا که تا اینجا آمده‌ام، بروم بینم آنجا چه خبر است؟»
وقتی به آنجا رسید تعجب کرد....

شما می‌توانید با تهیه‌ی این کتاب جذاب و خواندنی، از ادام‌ی داستان پیام آور سبّا آگاه شوید...

نام کتاب: پیام آور سبّا
نویسنده: علی باباجانی
ناشر: جمال





اندازه‌ی قاره‌ی آفریقا

مادر: مریم! بگو بینم اندازه‌ی قاره‌ی آفریقا
چقدر است؟
مریم: ده سانتی‌متر.
مادر: اشتباه نمی‌کنی؟
مریم: نه ماما! خودم از روی نقشه اندازه گرفتم.

چای شیرین



معلم: جمله‌ای بساز که در آن کلمه‌ی شکر باشد.
شاگرد: چای را سر کشیدم.
معلم: پس کلمه‌ی شکر کجاست؟
شاگرد: داخل چای!

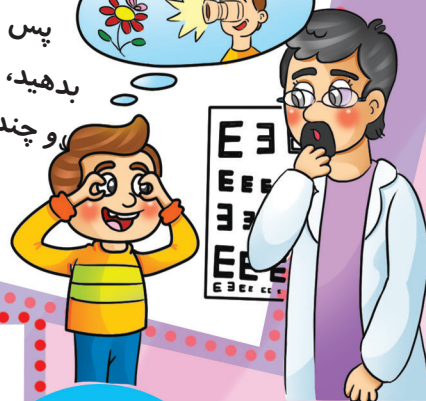
قطار



به یکی می‌گن: زودباش قطار داره می‌ره!
می‌گه: کجا می‌خواد بره، بلیط دست منه!

دوربین

دکتر: متاسفانه چشم شما
دوربین شده است!
بیمار: آخ جون،
پس یک حلقه فیلم
بدهید، داخلش بیندازم
و چندتا عکس بگیرم.



زنگ

مشتری: آقای تعمیرکار!
چرا دیروز نیامدید زنگ در خانه‌ی
ما را درست کنید؟
تعمیرکار: من آمدم، ولی هر چه زنگ زدم
کسی در را باز نکرد.



جواب چی؟

به دختر کوچولو کمک کن تا جواب چیستان ها را از بین تصاویر پیدا کند.



تصویر گر : سمیه سادات شفیعی

?

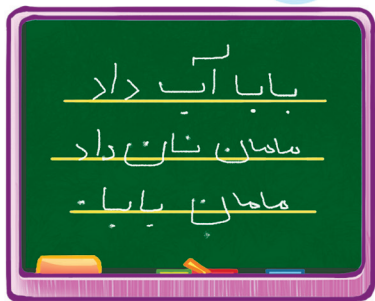
✓ آن چیست که خیلی خطرناک است ولی اگر وارونه شود رام می شود؟

✓ آن چیست که بی صدا زنگ می زند؟

✓ آن چیست که سوراخ های فراوان دارد اما آب را در خود نگه می دارد؟

✓ همه ی اتاق را پر می کند اما از سوراخ کلید بیرون می رود؟

✓ آن چیست که وقتی سیاه است تمیز است و وقتی کثیف است، سفید است؟





آرش، دانشمند کوچک ایرانی...

کودک موفق

آرش آمرزش، متولد سال ۱۳۹۱ می‌باشد. این کودک شش‌ساله‌ی ایرانی اهل شهر «کاشان» است که واژه‌ی نابغه برای توصیف او بسیار مناسب و شاید حتی کم باشد.

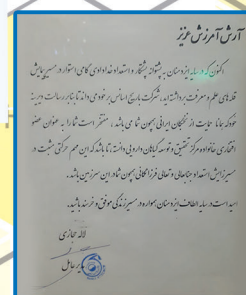
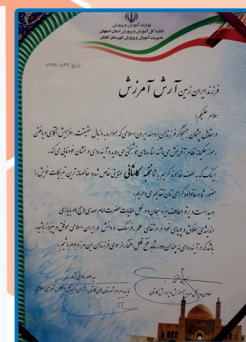
او در حال حاضر می‌تواند به زبان‌های فارسی، انگلیسی و عربی به صورت کاملاً مسلط بخواند و بنویسد. آرش همچنین علم فیزیک و شیمی می‌داند. جدول مندلیف را کاملاً حفظ است و عناصر آن را می‌شناسد. بسیاری از فرمول‌های فیزیک را از حفظ است. و باور کردنی نیست که این کودک شش‌ساله‌ی ایرانی، به راحتی قادر به انجام محاسبات ریاضی نیز می‌باشد و تقسیم و ضرب و جذر اعداد را به صورت ذهنی و کاملاً دقیق انجام می‌دهد.

آرش در سن دو سالگی توانست مانند یک کودک هفت‌ساله که اول ابتدایی خود را تمام کرده، بخواند و بنویسد. و پیشرفت اصلی آرش نیز از همین سن شروع شد.

آرش هم‌اکنون مشغول یادگیری هجده زبان مختلف می‌باشد و در دوره‌های آموزشی علم داروسازی نیز شرکت دارد. او به تازگی عضو افتخاری هیئت علمی و تحقیقاتی شرکت داروسازی باریج اسانس کاشان شده است.

آرزو دارم؛

در آینده شیمیدان بزرگی شوم
و عنصری به نام «آرشیم» را
کشف کنم.



والدین عزیز، با استفاده از برنامه‌ی بارکدخوان گوشی همراه و اسکن بارکد روبه‌رو، فیلم مربوط به این صفحه را برای دل‌بندان پخش کنید.

- ۱- به فرزندان خویش بیاموزیم تا در برخورد با مسائل و مشکلات روزمره برخورد منطقی و واقع‌بینانه داشته باشند.
- ۲- بیاییم قبل از آنکه پدر و مادر خوبی برای فرزندانمان باشیم، دوست و یاور آنان باشیم.
- ۳- احساس خودباوری را در فرزندان تقویت نماییم.
- ۴- از تشویق و حمایت فرزندان دلبند خود غفلت نورزیم.
- ۵- ارتباط مستمر با مدرسه، موفقیت تحصیلی و اخلاقی فرزندانمان را تضمین می‌بخشد.
- ۶- از مقایسه کردن کودکان با کودکان دیگر پرهیز نماییم. چرا که هر انسانی منحصر به فرد است و دارای تمایلات، علاقه و استعداد، توانایی و ... خاص خود می‌باشد.
- ۷- بیاییم به فرزندان خویش بیاموزیم که هر کاری را در جای خود انجام دهند.
- ۸- برای کودکانمان احترام قائل شویم و به شخصیت آنها بها دهیم.

مخاطب محترم، در صورتی که تمایل دارید کودک شما به جای نسخه‌ی
مکتوب فایل الکترونیکی مجله‌ی شاهد کودک را دریافت نماید،
عدد ۱ را به سامانه‌ی پیامکی ۳۰۰۰۷۶۳۰۰۰۰۰۶ ارسال نمایید.

آرزو دارم؛
در آینده شیمیدان بزرگی شوم
و عنصری به نام «آرشم» را
کشف کنم.

1 H	
3 Li	4 Be
11 Na	12 Mg
19 K	20 Ca
37 Rb	38 Sr
55 Cs	56 Ba
87 Fr	88 Ra

57 La
89 Ac

5 B	6 C	7 N	8 O	9 F	10 Ne
13 Al	14 Si	15 P	16 S	17 Cl	18 Ar
31 Ga	32 Ge	33 As	34 Se	35 Br	36 Kr
49 In	50 Sn	51 Sb	52 Te	53 I	54 Xe
83 Bi	84 Po	85 At	86 Rn		
115 Nh	116 Lv	117 Uus	118 Uuo		
71 Lu	72 Hf	73 Ta	74 W	75 Re	76 Os
101 Md	102 No	103 Lr			

